

تقدیم به روح پدر بزرگوارم که الگوی بی‌بدیل
اخلاق بود.



مقدمه

«بگذر ز سر عقل و قدم نه به ره عشق

کس را وقوف نیست که انجام کار چیست»

پروردگارا! از اینکه در آغوش لطف‌های بی‌پایانت جایم می‌دهی و آنگاه که از دیو و دد ملول می‌شوم، فرشته‌های صبر و امیدت به دو دست عشق نگاهم می‌دارند، تا همیشه به خود می‌بالم و سر بر آستانت می‌سایم. سایه‌لطف و دوستی این همراهان بهتر از جان‌راهیچ‌گاه از سرم کم‌مکن: احمد اختیاری، مدیر بااخلاق و خستگی‌ناپذیر مهر و ماه، استادان گرانقدرم: مجید دلیری، باهر بحیرایی، حمیدرضا تاجیک، فرحناز حسینی، طاهره سادات مرادی حسین‌زاده، اسماعیل مؤید ناصری، سعید ایرانزاد و البته اسماعیل محمد زاده و سعید عنبرستانی دو دوست دیرین. خانم‌ها معصومه سلیمی (مسئول پروژه)، مریم تاجداری (مدیر توانای گروه تولید) و همه همکارانشون. زهرا خوشنود و سمیه حیدری که در ویرایش و چاپ‌های قبلی، سنگ تمام گذاشتند. ویراستاران: آنیتا ملالی، نگار عزیزی، فائزه علی‌میری، حدیث قاسمی و یگانه هراتی.

شهریار قبادی

فهرست

بخش ۱ فارسی دهم

ستایش	۱۲
فصل ۱: ادبیات تعلیمی	۱۴
فصل ۲: ادبیات پایداری	۲۴
فصل ۳: ادبیات غنایی	۳۱
فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی	۳۸
فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی	۵۰
فصل ۶: ادبیات حماسی	۶۱
فصل ۷: ادبیات داستانی	۷۳
فصل ۸: ادبیات جهان	۸۹
نیایش	۹۶

بخش ۲ فارسی یازدهم

ستایش	۱۰۰
فصل ۱: ادبیات تعلیمی	۱۰۱
فصل ۲: ادبیات پایداری	۱۱۸
فصل ۳: ادبیات غنایی	۱۳۰
فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی	۱۴۰
فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی	۱۵۳
فصل ۶: ادبیات حماسی	۱۶۱
فصل ۷: ادبیات داستانی	۱۷۷
فصل ۸: ادبیات جهان	۱۹۵
نیایش	۱۹۹

بخش ۳ فارسی دوازدهم

ستایش	۲۰۲
فصل ۱: ادبیات تعلیمی	۲۰۴
فصل ۲: ادبیات پایداری	۲۲۰
فصل ۳: ادبیات غنایی	۲۳۰
فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی	۲۴۰
فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی	۲۵۸
فصل ۶: ادبیات حماسی	۲۶۷
فصل ۷: ادبیات داستانی	۲۸۴
فصل ۸: ادبیات جهان	۳۱۱
نیایش	۳۱۷

بخش ۴ گنج‌نامه

گنج ۱: عبارات‌های قرآنی و عربی	۳۲۲
گنج ۲: دسته‌بندی واژه‌ها	۳۲۷
گنج ۳: ۱۰۰ واژه ناچور	۳۳۲
گنج ۴: شباهت‌ها (این شبیه‌اون)	۳۳۵
گنج ۵: واژه‌های مترادف	۳۳۷
گنج ۶: تاریخ ادبیات جامع	۳۵۰
گنج ۷: اصول طلایی املا	۳۵۷
گنج ۸: واژه‌های هم‌آوا و مشابه	۳۵۹
گنج ۹: جمع‌های مکسر	۳۶۴
گنج ۱۰:	
این ابیات / عبارات از کیست؟	۳۶۵
فهرست الفبایی واژگان	۳۷۶

تحلیل واژه‌ها و تیپ‌بندی تست‌ها

الف

طبقه‌بندی واژه‌ها از دیدگاه طراحان

برای اولین بار در این جدول، واژه‌های کتب درسی را به صورت تخصصی و از دیدگاه طراحان آزمون‌های سراسری تفکیک و طبقه‌بندی کرده‌ایم تا بر این مطلب مهم تأکید کنیم که باید با همین دیدگاه واژه‌ها را مطالعه کنید.

به یاد داشته باشید معمولاً تست‌های دشوار از سه بخش مترادف‌ها، واژه‌های ناجور و چندمعنایی‌ها طرح می‌شوند.

	واژه	تعداد	مثال
۱	کل واژه‌ها	۴۰۰۰	انتهای کتب درسی + واژه‌های متن به انتخاب مؤلف
۲	معانی کنایی	۳۰۰	روی پیچیدن: خودداری از کاری
۳	معانی مجازی	۱۰۰	کام: سقف دهان (مجازاً: دهان، قصد...)
۴	واژه‌های انتهایی کتب درسی	۱۱۶۰	ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو
۵	معانی ناجور	۱۵۰	اختلاف: رفت و آمد
۶	چند معنایی	۱۰۰	سهم: ۱. ترس ۲. تیرجنگی ۳. بهره
۷	مترادف‌ها	۲۰۰	جنت: رضوان، فردوس، ارم، پردیس، جنان

• در این کتاب واژه‌های انتهایی کتاب‌های درسی را با (*) مشخص کرده‌ایم.



چند مثال برای «دام‌های معنی» در کنکور

ب

معنی اصلی	معنی نادرست (ارائه شده در کنکور)	واژه	نکته
کوتاهی کردن، کوتاهی، گناه	کوتاه	تقصیر	۱
هماندها، جمع «شبه»	سایه‌ها	اشباه	۲
طلب رحم کردن	رحم کردن به کسی	استرحام	۳
وسیله ای کمائی شکل در زورخانه از جنس آهن که...	کمائی از جنس چوب که در دو طرف آن ...	کباده	۴
ستودن، نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز درباره کتاب	فهرست کتاب	تقریظ	۵
جامه بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جبه	جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد.	دراعه	۶
زیرکی	زیرک	دها	۷
شکارگاه (اسم مکان عربی)	شکاری	متصید	۸
انگشت (مفرد است)	انگشتان	بنان	۹
دوران‌ها، عصرها	دوران	اعصار	۱۰
ابر	باران	سحاب	۱۱

نتیجه‌گیری ← توجه ویژه به:

- ۱ واژه‌های هم‌آوا (اشباه ← اشباح)
- ۲ معانی واژه‌های عربی (استرحام: باب استفعال به معنی طلب کردن ...)
- ۳ ثبت کامل و دقیق معانی تعریفی و طولانی (کباده: وسیله‌ای کمائی...)
- ۴ شکل مفرد و جمع واژه‌ها (بنان: انگشت، اعصار: دوران‌ها ...)

فارسی دهم

فصل ۱

ادبیات تعلیمی

واژگان درس ۱

چشمه

(نیمایوشیج «علی اسفندیاری»)

غُله‌زن*	شور و غوغاکنان (در حال غل غل زدن)
چهره‌نما	خودنما، جلوه‌گر کنایه
تیزپا*	تندرو، تیزرو کنایه
گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	غله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
بَر زدن	بیرون زدن، بالا آوردن (کف به دهان بر زدن کنایه از «خشمگین شدن»)
معرکه*	میدان جنگ، جای نبرد معنی دیگر شگفت‌انگیز، عالی
یکتا	بی‌همتا، بی‌نظیر مترادف طاق (رخش آن طاق عزیز)
تاج سر	بزرگ و عزیز کنایه
گلبن*	بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ
گفت: درین معرکه ، یکتا منم	تاج سر گلبن و صحرا، منم
دوش	شانه، کتف معنی دیگر دیشب
شکن*	پیچ و خم زلف معنی دیگر شکننده، شکست
شکن از سر موی گشادن	نمایان کردن چهره، صاف و زلال شدن کنایه
چون بگشایم ز سر مو شکن	ماه ببیند رخ خود را به من

درس ۱ چشمه مهر و ماه

دَمیدن	برآمدن، سر زدن، روییدن معنی دیگر باد کردن در چیزی
گهر	سنگ گران بها معنی دیگر اصل و نژاد استعاره گل
تابناک	درخشان، دارای پرتو مترادف مُشعشع
بَر	کنار، پهلوی معنی دیگر آغوش، خشکی
خجلی	شرمندگی، خجالت
گریبان	یقه مترادف جیب (سر به گریبان فرو بردن: خموشی گزیدن، کنار کشیدن کنایه)
حامل	در بر من ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد حمل کننده (در این درس: صاحب)
پیرایه*	زیور و زینت مترادف حلیه، حلیت (اسم از مصدر پیراستن)
برازندگی*	لیاقت، شایستگی مصدر برازیدن
پرتو	روشنایی، فروغ
بُن	ته، قعر معنی دیگر بنیاد
نیلوفری*	به رنگ نیلوفر، لاجوردی، صفت نسبی منسوب به نیلوفر (پرده نیلوفری: آسمان لاجوردی / پرده: حجاب)
همسری	برابری معنی دیگر زناشویی، ازدواج
نَمَط*	در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟ روش، طریقه مترادف سیاق، أسلوب (زین نمط: به این ترتیب)
مست شده	از خود بی خود شده کنایه
بحر	دریا شکل جمع بحار، بحور (بحر خروشنده: دریای متلاطم)
سهمگن	سهمگین، ترسناک، مهیب مترادف مخوف (سهم: ترس)
نادره*	بی همتا، شگفت آور معنی دیگر نادر و کمیاب
جوشنده	متلاطم
دید یکی بحر خروشنده ای سهمگنی، نادره جوشنده ای	



گروه‌های املایی فصل ۱



- **فضل و رحمت:** هم‌معنی هستند. ◀ فضول (رحمت‌ها)، فاضل
- **نظر کردن:** توجه کردن ◀ **مشابه** نذر کردن (عهد کردن)
- **رزاق و خلاق:** روزی‌دهنده و آفریننده ◀ رازق، مرزوق، ارتزاق
- **ادبیات تعلیمی:** ادبیات آموزشی ◀ تعلّم، علیم
- **قالب شعر:** شکل و فرم شعر ◀ هم‌آوا غالب (چیره)
- **غلغله‌زن:** شور و غوغاکنان ◀ غل‌غل زدن
- **حامل سرمایه:** صاحب سرمایه ◀ محموله، حمال
- **نمط و روش:** هم‌معنی هستند. ◀ نمد (نوعی فرش)
- **دوری از مبدأ:** دوری از محل آغاز ◀ **مشابه** مُبدع (ابداع‌کننده)
- **بحر خروشنده:** دریای خروشان ◀ بحار، بحور (دریاها)
- **زهره داشتن:** جرأت داشتن ◀ زهره در
- **ورطه و مهلکه:** گرداب ◀ هلاک
- **حازم و محتاط:** هم‌معنی هستند ◀ هم‌آوا هاضم (هضم‌کننده)
- **احوال و افعال:** حال‌ها و کارها ◀ هم‌آوا احوال (ترس‌ها)
- **حزم و احتیاط:** هم‌معنی هستند ◀ هم‌آوا هضم (گوارش)
- **از داور مستغنی:** از قاضی بی‌نیاز ◀ استغنا، غنی
- **مُحال و غیرممکن:** هم‌معنی هستند ◀ محالات
- **حق و باطل:** متضاد هستند. ◀ ابطال، مُبطل (باطل‌کننده)
- **ضایع کردن:** تباه کردن ◀ تضييع
- **قربت خویش:** خویشاوندی خود ◀ قریب، اقربا ◀ هم‌آوا غرابت (شگفتی)
- **مُولع و حریص:** هم‌معنی هستند. ◀ وَلع (حرص)
- **محو دشمن:** از بین بردن دشمن ◀ امحا (از بین بردن)
- **لب حوض:** کنار آبخوری ◀ حوضه (زمین‌هایی که از یک رود مشروب می‌شوند).
- **تَلّی از آجر:** تپه‌ای از آجر ◀ اُتلال (تل‌ها)

فصل ۱ ■ تاریخ ادبیات



مهروماه

فارسی دهم

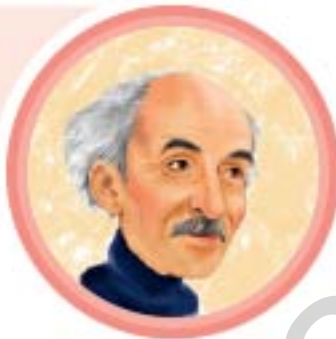
- قاش خربزه: تگه‌ای برش خورده از خربزه
- غصه و قصه: غم و داستان ◀ قصص (قصه‌ها)
- بغض و کینه: ناراحتی و تنفر
- حرص و طمع: هم‌معنی هستند ◀ حریص / طماع
- جرئت و جسارت: هم‌معنی هستند.
- هق‌هق گریه: صدای گریه ◀ مشابه حق (حقیقت)

تاریخ ادبیات فصل ۱



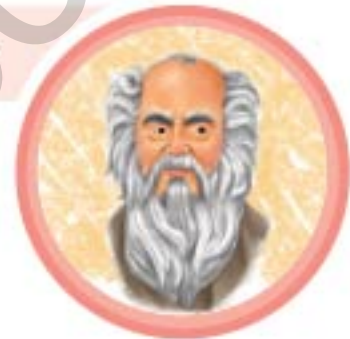
نیما یوشیج
(علی اسفندیاری)

چشمه (نظم)
فصل ۱ / درس ۱



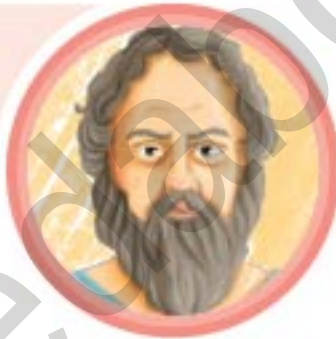
عطار نیشابوری

الهی‌نامه (نظم)
ستایش



عنصر المعالی
کیکاؤوس

قابوس‌نامه (نثر)
(از آموختن ننگ مدار)
فصل ۱ / درس ۲



نصرت‌الله منشی (ترجمه)

کلیله و دمنه
(نثر)
فصل ۱ / درس ۱



جمال میرصادقی

دیوار
(نثر)

فصل ۱ / درس ۲



فارسی یازدهم

فصل ۱

ادبیات تعلیمی

واژگان درس ۱

بوستان (سعدی)

نیکو

روبه	کوتاه شده روباه
فروماندن*	متحیر شدن (فرومانده: متحیر، درمانده، ناتوان)
صنع	آفریدن، ساختن معنی دیگر نیکویی کردن
❖ یکی روبهی دید بی‌دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای	
چون	چگونه، چطور (قید پرسش)
درویش	فقر، تهی‌دست معنی دیگر صوفی، عارف
شوریده‌رنگ*	آشفته‌حال (کسی که در اثر آشفتگی حالش، رنگ چهره‌اش تغییر می‌کند.) کنایه
برآمدن	ظاهر شدن، نمایان گردیدن
شغال*	جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشت‌خواران است.
❖ در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد ، شغالی به چنگ	
نگون‌بخت	بدبخت، سیاه‌بخت (نگون: خم شده، واژگون)
روزی‌رسان	روزی‌رساننده (خداوند)
قوت*	رزق روزانه، خوراک، غذا (بر وزن «توت»)
یقین	باور و ایمان قلبی، اطمینان به چیزی



چشم معنی دیگر دیده شده / دیده است... (جزء واژه‌های «ایهامی» محسوب می‌شود.)	دیده
رفتن، مُردن معنی دیگر فعل مسندپذیر	شدن
اعتماد کردن، اتکا کردن	تکیه کردن
◀ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد	
فیل‌ها	پیلان
چانه (به صورت «زنخ» هم می‌آید.)	زَنخْدان*
گریبان، یقه	جیب*
کوشش نکردن کنایه	زنخْدان در جیب فرو بردن
پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند، فرشتگان و... در آن قرار دارند.	غیب*
◀ زَنخْدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب	
غم، فکر، غم‌خواری معنی دیگر پرستاری	تیمار
نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. معنی دیگر پنجه دست (جزء واژه‌های ایهامی است)	چنگ*
◀ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	
چو چنگش ، رگ و استخوان ماند و پوست	
حال، توان، جان معنی دیگر آگاهی، عقل، زیرکی / مرگ	هوش
جای ایستادن پیش‌نماز در مسجد معنی دیگر بالای خانه، صدر مجلس	محراب
◀ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش	
ناراست، حيله‌گر	دَغَل*
دست و پای از کار افتاده	شَل*
◀ برو شیر درنده باش، ای دَغَل مَیْنْداز خود را چو روباه شَل	
پس‌مانده معنی دیگر درمانده، خسته	وامانده
◀ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟	

فارسی دوازدهم



واژگان
درس ۲

مست و هُشیار

دیوان اشعار (پروین اعتصامی)

مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.

یقه (گریبان گرفتن: گلاویز شدن با کسی **کنایه**)

تسمه و ریشمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و... می‌بندند. (پیراهن نشانهٔ انسان بودن و «افسار» نشانهٔ حیوان بودن است.)

مُحتسب*

گریبان

افسار*

مُحتسب مستی به ره دید و گریبان‌ش گرفت

مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است **افسار** نیست»

حالت راه رفتن کسی که مست است، تلو تلو خوردن

نابسامانی‌های اجتماعی **کنایه**

مقابل خواب، کسی که هشیار است **ایهام**

افتان و خیزان

هموار نبودن راه

بیدار

گفت: رو، صبح آی قاضی نیمه شب **بیدار** نیست

خانه

سرا

حاکم، فرمانروا (والی را سرای: سرای والی)

والی*

می‌فروش (خمر: شراب، خُمَره: ظرف شراب)

خَمّار*

گفت: «نزدیک است **والی** را **سرای**، آن‌جا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانهٔ **خَمّار** نیست؟»

پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

داروغه*

واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است.

در متن درس، مطلق پول است؛ وزن و ارزش دینار در

دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است. **مجازاً** رشوه

دینار*

آزادکن (فعل پیشوندی: «وا+رهان»)

وارهان

دین و آئین، کیش، مذهب

شرع

درس ۲ ■ مست و هشیار



مهر و ماه

درم، مسکوک نقره، که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق پول مورد نظر است.

درهم*

گفت: «**دیناری** بده پنهان و خود را **وارهان**»
گفت: «**کار شرع**، **کار درهم** و دینار نیست»

تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرامت*

نخ نما فرسوده بودن

کنایه

نقشی ز پود
و تار نیست

بی آبرویی، بی تعادلی

کنایه

معنی دیگر

حیرت کردن

افتادن کلاه از سر

عیب و ننگ، رسوایی

مترادف

فضیحت

عار

گفت: «آگه نیستی **کز سر در افتادت کلاه**»

گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی **عار** نیست»

مست شدن

کنایه

بیخود شدن

کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم

معنی دیگر

اندازه؛ مقدار

حد*

آگاه، در این جا کسی که مست نیست و دچار مشکل نیست.

هشیار

سرزنش، زخم زبان

مترادف

شماتت

ملامت

پارسای گوشه نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.

زاهد*

ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری

اکراه*

گفت: **زاهد** ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ **اکراه** نیست

سرزمین، کشور، مملکت (دار ملک: دارالملک، پایتخت)

مُلک*

دوستی، عشق (دار ملک آشنایی: سرزمین عشق)

آشنایی

پیشه، کار، حرفه

صنعت*

کوتاه شده «اندوه»، غم و ناراحتی

انده

جان فشانی کردن، جان دادن

کنایه

جان فروشی

تحمل کردن غم و اندوه

کنایه

انده خریدن و
جان فروشی

گنج نامه

- گنج اول:** عبارتهای قرآنی و عربی
- گنج دوم:** دسته‌بندی واژه‌ها
- گنج سوم:** ۱۰۰ واژه ناچور
- گنج چهارم:** شباهت‌ها (این شبیه اون)
- گنج پنجم:** واژه‌های مترادف
- گنج ششم:** تاریخ ادبیات جامع
- گنج هفتم:** اصول طلایی املا
- گنج هشتم:** واژه‌های هم‌آوا و مشابه
- گنج نهم:** جمع‌های مکسر
- گنج دهم:** فهرست الفبایی واژگان، بیت‌ها و عبارتهای آزاد



عبارت‌های قرآنی و عربی

فارسی ۱



حاسبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا (درس ۲)

◀ به حساب خود رسیدگی کنید قبل از این که شما را حسابرسی کنند.

شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ (درس ۳)

◀ ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است.

و بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ. (درس ۳)

◀ او، حسین (ع)، خونس را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.

الذَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ (درس ۵)

◀ روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (درس ۵)

◀ هر نفسی، چشنده مرگ است.

و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (درس ۶)

◀ هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است.

و مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (درس ۷)

◀ مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

شباهت‌ها (این شبیه اون)

• تمکن: ثروت	• زبان کشیدن: سخن گفتن
• تمکین: پذیرفتن	• زبان در کشیدن: سخن نگفتن
• شاب: جوان	• دینار: سکه طلا
• شیب: پیری	• درهم: سکه نقره
• هلال: ماه شب اول	• برزخ: فاصله میان دو چیز
• بدر: ماه کامل	• دوزخ: جهنم
• ملامت: سرزنش	• خار: تیغ
• ملالت: آزدگی	• خار: سنگ سخت
• همت: اراده	• شفق: سرخی غروب
• حمیت: جوانمردی	• فلق: سرخی آفتاب صبح
• نسیان: فراموشی	• غنا: آواز خوش
• نیشان: ماهرومی	• غنا: توانگری
• خیره خیر: بیهوده	• کران: کنار
• خیر خیر: سریع	• کران: نام روستا
• کهر: اسب به رنگ سرخ	• سما: آسمان
• گزند: اسب میان زرد و بور	• سماع: شنیدن
• مطیع: فرمانبر	• اهمال: کوتاهی
• مطاع: فرمانروا	• امهال: مهلت دادن
• عنان: افسار	• بنان: انگشت
• سنان: سرنیزه	• بنات: دختران

واژه‌های مترادف

واژه	مترادف	معنی
اثنا	خِلال	میان
اختر	نجم	ستاره
اِذن	تجویز	اجازه
ارمغان	تحفه، رهاورد	هدیه
از جای شدن	برآشفتن	عصبانی شدن
استدعا	تمنا	خواهش
اِصرار	اِلحاح، ابرام	پافشاری
اعرابی	تازی	عرب بیابان‌نشین
افزون آمدن	رجحان	برتری داشتن
افسر	دیهِیم	تاج پادشاهی
اندرز	موعظه، وعظ	نصیحت
اندوه	حزن	غم و اندوه
انصاف	داد، عدالت	عدل کردن
اِنعام	دهش، عطا، اعطا	بخشش، احسان
اَوان	عنفوان	وقت، آغاز



تاریخ ادبیات جامع فارسی (۱، ۲، ۳)

گنج
ششم

اثر	خالق اثر	نظم و نثر	نشانی
اتاق آبی	سهراب سپهری	نثر	ف ۱
اخلاق محسنی	حسین واعظ کاشفی	نثر	ف ۱
ارزیابی شتاب زده (پیرمرد چشم ما بود)	جلال آل احمد	نثر	ف ۱
ارمیا	رضا امیرخانی	نثر	ف ۳
ای میهن	ابوالقاسم لاهوتی	نظم	ف ۳
از پاریز تا پاریس	باستانی پاریزی	نثر	ف ۳
اسرار التوحید	محمد بن منور	نثر	ف ۱
الهی نامه	عطار نیشابوری	نظم	ف ۱
بانگ جرس	حمید سبزواری	نظم	ف ۲
بخارای من، ایل من	محمد بهمن بیگی	نثر	ف ۳
بهارستان	عبدالرحمان جامی	نثر	ف ۲
بوستان	سعدی شیرازی	نظم	ف ۲

اصول طلایی املا

- ۱ شکل صحیح املاي هر واژه را از طريق واژه‌های قبل و بعد، ریشه و يا متضاد آن می‌توان تشخیص داد. سفر / حضر (متضاد) هادی / هدی (ریشه)
- ۲ هر وقت بر سر فعلی که با همزه شروع می‌شود «ب، م، ن» بیاید، همزه به «ی» تبدیل می‌شود:
ب + انداخت ← بینداخت
- این نوع غلط‌ها با عنوان غلط **رسم الخطی** در کنکور آورده می‌شوند.
- ۳ در کنکور سراسری «تشدید» جزو غلط‌های املاي نیست و به حساب نمی‌آید.
- ۴ برای تشخیص نوع «گذار» و «گزار» بهتر است این گونه عمل کنید:
«گزاردن» معمولاً به معنی انجام دادن، به جا آوردن، تعبیر کردن است.
«گذاشتن» به معنی نصب کردن، وضع کردن و رها کردن است.
- همیشه باید بینید که واژه مورد نظر به «گزاردن» تمایل دارد یا «گذاشتن»، آن گاه به راحتی می‌شود املاي واژه را تعیین کرد:

شکر گزار	◀	✓ شکر گزاردن	◀	✗ شکر گذاشتن
پایه گذار	◀	✓ پایه گذاشتن	◀	✗ پایه گزاردن
نماز گزار	◀	✓ نماز گزاردن	◀	✗ نماز گذاشتن
سرمایه گذار	◀	✓ سرمایه گذاشتن	◀	✗ سرمایه گزاردن

واژه‌های هم‌آوا و مشابه

آج	برجستگی روی لاستیک	آزار	اذیت
عاج	دندان فیل	آذار	ماه رومی
آجل	آینده، آتی	آذر	ماه نهم شمسی، آتش
عاجل	شتاب‌کننده (عجله)	آزر	عموی حضرت ابراهیم
اثاث	لوازم خانه	اثرات	نشانه‌ها (اثر)
اساس	بنیاد، پایه (مؤسس)	عثرات	خطاها و لغزش‌ها
اسیر	گرفتار	اشباح	سایه‌ها (شبح)
اثیر	کره آتش	اشباه	مانندها (شبه)
آلم	درد و رنج	الیم	دردناک
عَلَم	درفش، پرچم	علیم	دانا
اَمَل	آرزو (آمال)	ایار	ماه رومی
عمل	کار (اعمال)	عیار	معیار
إِبا	امتناع و خودداری	اصرار	پافشاری (مُصِر)
عَبا	نوعی جامه	اَسرار	رازها (سرّ)
إِغا	لغو کردن (ملغی)	إِمارت	حکومت امیر (آمارات: نشانه‌ها)
إِقا	تلقین کردن، آموختن	عمارت	خانه، بنا (معمار)
انتساب	نسبت داشتن (منتسب)	بِالطَّبَع	از روی طبع و میل
انتصاب	نصب کردن، گماشتن	بِالتَّبَع	در نتیجه (تابع)
براعت	کمال فضل و ادب، برتری	بهار	فصل اول سال
برائت	بیزاری	بحار	دریاها (بحر)
بهر	بهره	پرتغال	نام کشوری است.



جمع‌های مکسر پر کاربرد

• افق ◀ آفاق	• شریف ◀ اشراف	• قول ◀ اقوال
• بنا ◀ ابنیه	• شریک ◀ شرکا	• کافر ◀ کفار
• بلد ◀ بلاد	• شعبه ◀ شعب	• کتاب ◀ کتب
• تابع ◀ توابع	• شیء ◀ اشیا	• کوکب ◀ کواکب
• جاهل ◀ جُهل	• صورت ◀ صُور	• لباس ◀ البسه
• جبل ◀ جبال	• ضعیف ◀ ضعفا	• لسان ◀ السنه
• جد ◀ اجداد	• ضمیر ◀ ضمائر	• لفظ ◀ الفاظ
• جدول ◀ جداول	• طبیب ◀ أطبّا	• مدینه ◀ مَدَن
• جزیره ◀ جزایر	• طریق ◀ طُرُق	• مشهور ◀ مشاهیر
• جسم ◀ اجسام	• طعام ◀ اطعمه	• مضمون ◀ مضامین
• حاضر ◀ حَضار	• عارف ◀ عرفا	• مضیق ◀ مضایق
• حاکم ◀ حکام	• عبد ◀ عباد	• مکتوب ◀ مکاتیب
• حکمت ◀ حکم	• عنصر ◀ عناصر	• مکتب ◀ مکاتب
• حکیم ◀ حکما	• علّت ◀ علل	• منبر ◀ منابر
• درس ◀ دروس	• غذا ◀ اغذیه	• نبی ◀ انبیا
• درهم ◀ دراهم	• غنی ◀ اغنیا	• نجیب ◀ نُجبا
• دعا ◀ ادعیه	• فاضل ◀ فُضلا	• نسخه ◀ نُسخ
• رجل ◀ رجال	• فن ◀ فنون	• نصیحت ◀ نصایح
• رسول ◀ رُسل	• فضیلت ◀ فضایل	• نعمت ◀ نعم
• سلسله ◀ سلاسل	• قافله ◀ قوافل	• نور ◀ انوار
• سلطان ◀ سلاطین	• قریب ◀ اقربا	• ولی ◀ اولیا
• شاهد ◀ شهود	• قلعه ◀ قلاع	



این ابیات / عبارات از کیست؟

در کنکور ۹۹ با سؤالی غیرمنتظره مواجه شدیم و آن حذف تاریخ ادبیات و درخواست نام سراینده بیت سؤال بود! آن هم از قسمت‌هایی که ذهن به آن خطور نمی‌کرد! امسال هم در کنکور ۱۴۰۰ به همین خاطر تمام ابیات و عبارات موجود در کارگاه‌های متن‌پژوهی را با ذکر نام شاعر، در این قسمت برایتان جمع‌آوری کرده‌ایم.

فارسی ۱ درس یکم: چشمه

۱. پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش (سعدی)
۲. ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرّج آن جاست (سعدی)
۳. یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید
۴. که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقّا که من نیستم
۵. بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد (سعدی)

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

۱. کتابی که در او داد سخن آرای توان داد. (سعدالدین وراوینی)
۲. عشق شوری در نهادِ ما نهاد / جان ما در بوتّه سودا نهاد (فخرالدین عراقی)
۳. «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» (ابن‌حسام خوسفی)

درس سوم: پاسداری از حقیقت

۱. «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی» (صائب)
۲. چو سرو از راستی بر زد علم را / ندید اندر جهان تاراج غم را (نظامی)
۳. هنگام سپیده‌دم خروس سحری / دانی ز چه روی همی کند نوحه‌گری
- یعنی که نمودند در آیینۀ صبح / از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری (خیّام)